

دازد - دوست - او - درس - را

\* او درس را دوست دازد.

دازد - سارا - برای - کر -

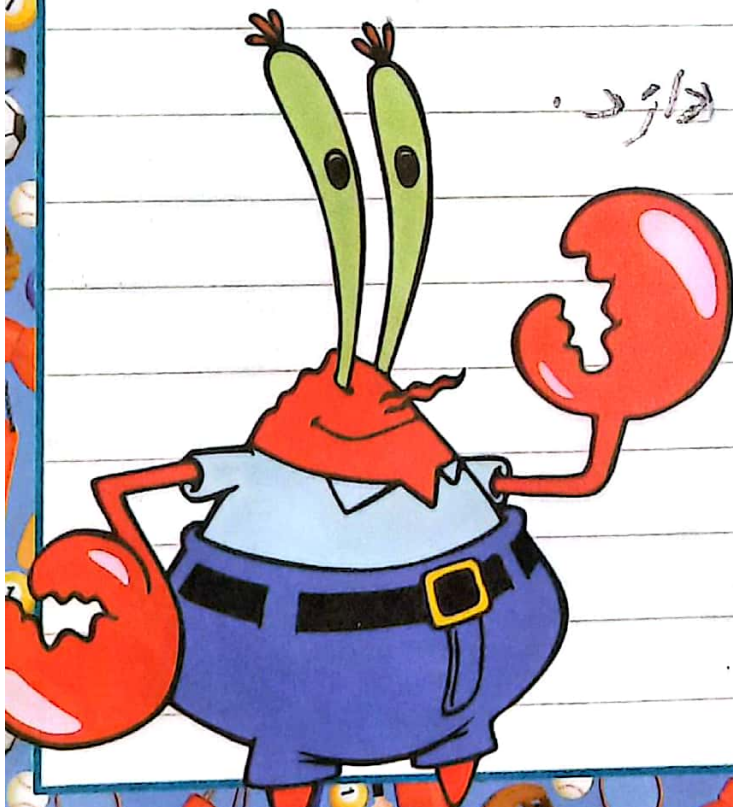
\* سارا برای کر دازد.

مادر - بست - آرام - کر - را

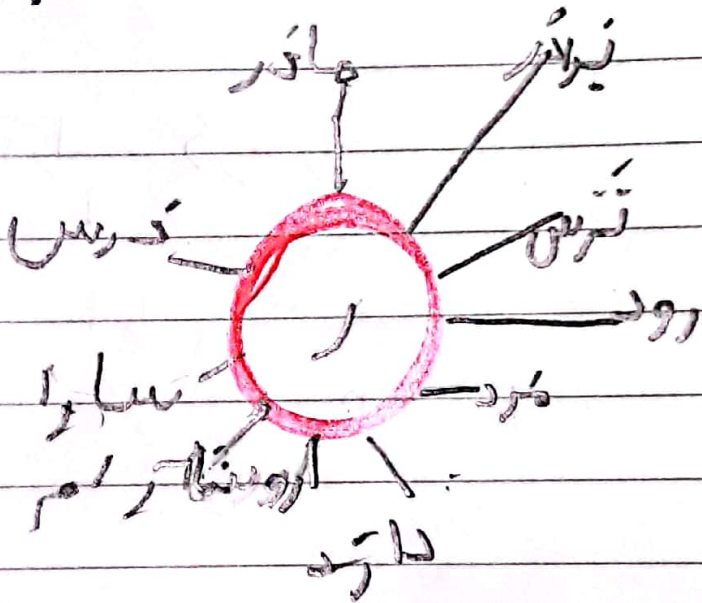
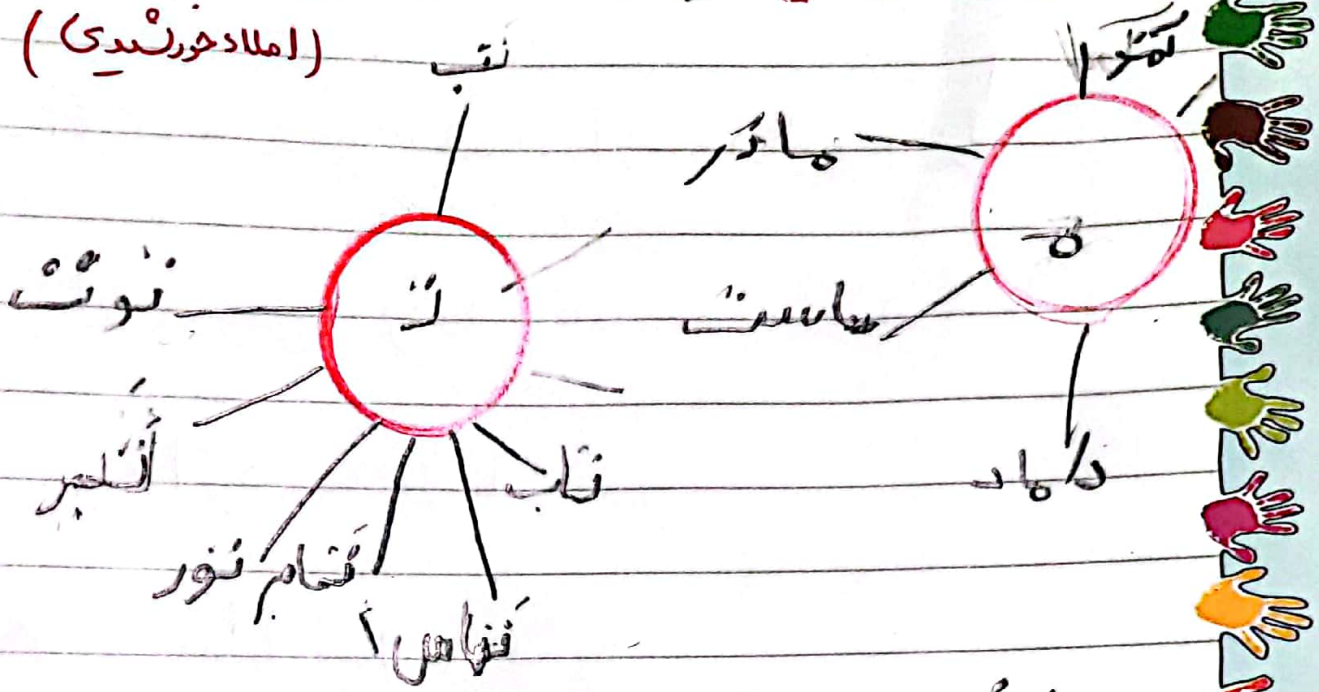
\* مادر کر را آرام بست.

آند - دازد - آند

\* آند آند دازد.



(املا دورشدی)



شادترین بزرگ است ✓  
 مهربانترین بزرگ است ✓  
 ۲ / ۲۷





اَبْرُو اَبْرُو اَبْرُو

نَعْرَمَا نَعْرَمَا نَعْرَمَا

بِرَادَرِ بِرَادَرِ بِرَادَرِ

رَوَسْتَا رَوَسْتَا رَوَسْتَا

نَرَسُو نَرَسُو نَرَسُو

اَرَامِ اَرَامِ اَرَامِ

دَارَمِ دَارَمِ دَارَمِ

۱) سارا با اسب آرام آرام در شهر ما آمد

۲) برادرش سردرد دارد. ✓

۳) مادر او را دارو داد. ✓

۴) روستا ما دارد. ما نرس دارده. ✓

۵) او درس را دوست دارد. ✓